

طالبان برای چابهار، آلترناتیو ندارند!

تجارت جهانی/ خاطره حقیقت ناصری: معادلات در خاورمیانه با سرعت بیشتری در حال شکل گرفتن است؛ رویدادها در افغانستان پس از خروج آمریکا و قدرت گرفتن طالبان به شرایط ثبات رسیده و از تب و تاب روزهای نخست آن، کاسته شده است. طالبان نیز به تدریج در حال تثبیت موقعیت خود و سر و شکل دادن به ساختار حکومتی مختص به خود هستند. ایران بعنوان اصلی ترین همسایه عربستان به لحاظ دسترسی به اروپا و همچنین آب های آزاد، نقشی مهم را در آینده این کشور ایفا می کند.

از سوی دیگر، پس از آغاز به کار منطقه آزاد سیستان در هفته های گذشته و وجود منطقه آزاد چابهار که از پیش در پیمان چند جانبه «چابهار» نقش آن مورد تاکید شرکایی چون هند و تاجیکستان قرار گرفته بود، حالا می توان فارغ از نوع حکومت در کابل، مراودات مالی را در گذرگاه مرزی با جدیت بیشتری دنبال کرد. تجارت جهانی برای بررسی نقش مناطق آزاد سیستان و چابهار در آینده مناسبات مالی ترانزیتی در منطقه با فداحسین مالکی ، سفیر پیشین ایران در افغانستان، دبیر سابق ستاد مبارزه با مواد مخدر نماینده فعلی مردم زاهدان در پارلمان، گفتگویی داشته که در ادامه از نظر می گذرد:

افغانستانی که تحت سلطه طالبان است را آیا باید از پیمان چندجانبه «چابهار» شامل ایران ، هند و تاجیکستان، حذف شده بدانیم؟ چرا؟

مهمترین اصل برای ما ملت افغانستان است و روابط تجاری ما با افغانستان از طریق چابهار انجام شده است که قبل از حضور طالبان در دولت های قبلی برقرار بوده است. طبق آخرین صحبت هایی که با طالبان صورت گرفته این روابط ادامه دار خواهد بود و در این خصوص هم توافقاتی صورت گرفته که این به معنای به رسمیت شناختن طالبان نیست بلکه این موضوع درباره داد و ستدهای مرزی و تجاری است که سالیان سال بین تجار دو کشور صورت گرفته است.

در بیست سال اخیر، کابل بیشتر به دهلی نو، نزدیک بوده اما احتمالاً از این پس باید کابل را هماهنگ با اسلام آباد ببینیم؛ این موضوع چه تاثیری روی مراودات اقتصادی منطقه می گذارد؟ با در نظر داشتن این نکته که ایران مرزهای متعددی با افغانستان دارد اما از حیث اقتصادی، بندر چابهار ایران، رقیب سرسخت بندر گوادر در پاکستان، محسوب می شود؟

دولت قبلی افغانستان با هند روابط خوبی داشت که جمهوری اسلامی ایران هم این رابطه خوب را برای خود تعریف کرده بود. اما اختلافاتی که بین پاکستان و هند دیده می شود در واقع اختلافات ریشه ای بین دو کشور است و کشور ایران همواره سعی کرده است که هیچ وقت در بازی مناقشات آنها ، نقشی نداشته باشد. به هر حال پاکستان یک همسایه بزرگ برای ما محسوب می شود و همچنین هندوستان هم رابط تجاری ما به شمار می رود. این موضوع صحت دارد که از وقتی طالبان روی کار آمدند مورد حمایت پاکستان واقع شدند و این طبیعی است که روابط پاکستان با طالبان نزدیک است. استراتژی طالبان هنوز در ساختار سیاسی و حکومتی خود افغانستان تعریف نشده است و این مشکلاتی را ایجاد می کند از لحاظ اینکه اجماع بین المللی کشورهای منطقه و حتی بین الملل بر این است، دولتی که در راس حکومت است باید یک دولت فراگیر باشد و به نوعی این خواسته همه است. قطعاً دولت فراگیری هم که روی کار بیاید خود را با معادلات تجاری منطقه تنظیم می کند و اینطور نیست که کاملاً در دامن اسلام آباد بیفتد؛ به هر حال کشورهای ایران، هند و چین ظرفیت زیادی را دارند. آن ها قطعاً به این سمت حرکت خواهند کرد بنابراین مناقشات و اتفاقات سیاسی که بین دو کشور است در هر شرایطی وجود دارد.

سال گذشته، تاسیس منطقه آزاد سیستان در مجلس شورای اسلامی، مصوب شد؛ اساسا این منطقه چه پتانسیل هایی برای صادرات و تولید در میان مدت و بلند مدت دارد؟

این نگرانی وجود دارد که آن تعریفی که برای منطقه آزاد چابهار دیده شده با آن چیزی که ما می بینیم متفاوت شده است. با توجه به موقعیت خاص چابهار در تعریف اولیه، چابهار علاوه بر اینکه باید باعث تحول منطقه و رونق زندگی مردم شود، به اقتصاد ملی ایران هم باید کمک کند. چابهار در واقع حلقه اتصال کشور افغانستان است. تعریفی که اتحادیه اروپا در مورد افغانستان دارند این است که افغانستان به عنوان بارانداز تجاری از مسیر چابهار به آسیای میانه و کشورهای مختلفی مانند چین می تواند، متصل باشد. این مسیر فوق العاده مهم است چرا که چینی ها را 1000 کیلومتر نسبت به مسیر پاکستان به دریای آزاد نزدیک می کند. همچنین طبیعی است که منطقه آزاد سیستان با توجه به خشکسالی که دارد باید بتواند یک تحول اساسی در زندگی مردم آنجا به وجود بیاورد. انتظار می رود که دولت توجه ویژه ای داشته باشد و درواقع ما خودمان هم نگران هستیم که مبدا آنچه که مصوب شده است در کاغذ بماند و عملی نشود. مردم منطقه هم این نگرانی را دارند ولی در مجموع از این مصوبه خوشحال هستند.

سیستان و بلوچستان دارای دو منطقه آزاد است؛ به نظر شما چرا منطقه آزاد چابهار نتوانسته به کاهش حاشیه نشینی کمک کند و آیا احتمال می دهید که فعالیت منطقه آزاد سیستان هم به افزایش حاشیه نشینی کمک کند؟

این موضوع فوق العاده حائز اهمیت است به لحاظ اینکه می تواند حلقه اتصال چابهار به افغانستان و کشورهای آسیای میانه باشد. زیرا هم مسیر نزدیک تر خواهد و هم می تواند باعث تحولاتی در محور شرق باشد. این موضوع قبلا هم در بین سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان در سال 1390 تعریف شد. ایران هم سرمایه گذاری جدی روی این موضوع دارد و قطعا چابهار چون تنها بندری است که در دریای عمان قرار دارد و همچنین به دور از تنش های سیاسی و نظامی خلیج فارس است؛ موضوعی که یک موقعیت کاملا استراتژیک محسوب می شود. چابهار امروزه با بندر کراچی رقابت می کند البته ما باید زیرساخت های لازم را که در دنیا مورد نیاز است در این منطقه فراهم کنیم. بسیاری از کشورها مانند روسیه و چین به دنبال این هستند که در این منطقه ترانزیت خود را انجام دهند بنابراین ما باید نسبت به زیرساخت ها توجه ویژه ای داشته باشیم که در نتیجه بندر چابهار به قطب بزرگ تجاری و اقتصادی منطقه تبدیل شود.

آیا در طولانی مدت، ایران بازار اقتصادی افغانستان را با حضور طالبان از دست خواهد داد؟ چرا؟

افغانستان به نوعی نیازمند است که مبادلات خود را از طریق راه دریایی جلو ببرد و تنها راه آن هم از بندر چابهار است. در گذشته راه تنفسی افغانستان را چابهار می نامیدند و بندر چابهار قطعا برای دولتی که روی کار بیاید یا حکومت کنونی طالبان هم همین تعریف را دارد.

شما پیش از این سفیر ایران در افغانستان بوده اید؛ این کشور پیش از این برنامه ریزی کرده بود تا از طریق چابهار به آب های آزاد و همچنین کالاهای صادراتی از بمبئی، دسترسی داشته باشد. آیا اینک، افغانستان را باید در آغوش پاکستان و چین، متصور شویم؟
من بعید میدانم که چنین اتفاقی بیفتد زیرا افغان ها انسان های باهوشی هستند به خصوص در زمینه تجاری و اقتصادی و در واقع به نفع آن هاست که که برای چابهار تعریف ویژه ای را داشته باشند. آن ها به لحاظ روابط سیاسی که با اسلام آباد دارند؛ نمیخواهند مسایل تجاری و اقتصادی خود را گره دهند زیرا می دانند که حتی با حضور طالبان مسیر چابهار کماکان بهترین گزینه برای افغانستان است.

